انترناسیونال ٢٩٤

مینا احدی

**قتلهاي زنجیره ای زنان در قزوين**

**نمونه اي از زن ستيزي و قوانين اسلامی حاكم بر جامعه**

با كشف چهارمين جسد در قزوين٬ آمار قتلهاي زنجیره ای زنان در اين شهر در هفته گذشته به چهار نفر رسيد. آخوندي از مقامات محلي٬ از ناجا دعوت ميكند كه فورا فكري به حال اين مسئله بكنند و چه كسي است نداند كه اين قتلها بخش كوچكي از سياست و قوانين و سنتهاي مسلط بر جامعه است.

در يك هفته گذشته٬ صداي دو دختر كه از ايران به من زنگ زده و تقاضاي كمك كرده اند٬ در گوشم طنين انداز است... خانم احدي پدرم مرا در خانه محبوس كرده و ميخواهد مرا بكشد٬ وقتي ميپرسم چرا٬ جواب ميدهد از من متنفر است٬ چرا كه وقتي ازدواج كردم دختر نبودم و بعد از يكسال زندگي با همسرم٬ او مرا از خانه بيرون كرد و مجبور شدم به اينجا بيايم٬ پدرم چنان از من متنفر است كه نگاهم نميكند٬ او ميگويد اگر چشمم به تو بيفتد٬ ميكشمت... و دومي از جنوب ايران است و ۱۸ ساله ٬ ميگويد ميترسم از اينكه دو ماه ديگر كه ازدواج ميكنم٬ همه بفهمند كه دختر نيستم اينها مرا ميكشند....

چند دختر و زن در ايران و در عراق و افغانستان و سودان و پاكستان و بنگلادش در اين شرايط بسر ميبرند٬ چند هزار زن در اين كشورها٬ به دست جلادان و پاسداران و جيش ها و مامورين نهي از منكر٬ كتك ميخورند ٬ چرا كه جوراب نازك دارند و يا حجابشان تكميل نيست و يا رانندگي ميكنند ... چند هزار زن در زندانهاي حكومتهاي جنايتكار اسلامي اسير هدتند٬ چرا كه فقط خواسته اند كمي زندگي كنند و يا كسي را دوست داشته اند. آري ما در مورد دولتها و قوانين و سنتها و مذهبي حرف ميزنيم كه بر سر در آن ضديت با زن و له كردن حرمت و انسانيت زن حك شده است. ما در مورد جنبش كثيفي حرف ميزنيم كه يك جنبه مهم آن قتل و كشتار زنان و تبليغ اين كشتار و قتلهاي " مقدس" است. ما در مورد جنبش اسلامي و اسلام سياسي حرف ميزنيم كه با تكه تكه كردن زنان٬ قدرت سياسي گرفته و با زنداني كردن زنان نفس ميكشد و ارتزاق سياسي ميكند.

فقط يك روز صفحه حوادث يك روزنامه معمولي در ايران را ورق بزنيد و اين تيترها را بخوانيد: مردي همسرش را بدليل اينكه به او شك داشت٬ كشت. قتل خواهر بدليل اينكه فورا براي برادرش چايي نياورد... دختري قرباني سو ظن پدرش شد٬ سه زن در كردستان خودسوزي كردند. پسري مادرش را كشت و .... صدها زن به جرم بدحجابي دستگير شدند٬ تجاوز به دانشجويان دختر در فلان دانشگاه٬ دختري بدليل ترس از والدين خودكشي كرد٬ او قرباني تجاوز بود....

اين جنايات به راحتي آب خوردن اتفاق مي افتد٬ چرا كه يك دستگاه عظيم تبليغاتي روزانه و شبانه٬ تبليغ ميكند كه زن ناموس مرد است و اجازه ندارد٬ بدون تمكين به مردان نفس بكشد. اين قتلها اتفاق مي افتد٬ چرا كه پرده بكارت مقدس است و دختران و زنان روزانه قرباني تحقير و توهين و روابط نابرابري ميشوند كه در جلو چشم جامعه اتفاق مي افتد و نه فقط دولت و سران حكومت ضد زن اسلامي از آن با شدت و حدت دفاع ميكنند و آنرا تبليغ و در جامعه پمپاژميكنند٬ بلكه جنبش ملي اسلامي و روشنفكران و ادبا و تحصيل كردگان و شعور عمومي جامعه نيز به اين ارتجاع و كثافات قرون وسطايي هم عادت كرده وهم آنرا تبليغ و پراتيك ميكند.

در جامعه اي كه سي سال است٬ زنان رسما نيمه انسان محسوب شده و از حق طلاق ٬ حق كار بيرون از خانه٬ حق ازدواج و رابطه آزادانه جنسي٬ حق دوستي و رفاقت و حتي حق بلند خنديدن و بلند حرف زدن محرومند٬ در جامعه اي كه زن در آن سنگسار شده و كماكان نيز سنگسار ميشود٬ زنان بي حقوق ترين ها هستند و كشتن آنها بهر بهانه و دليلي ساده ترين كار است، در اين جامعه که مردان همسركش و پدران فرزندكش٬ بدليل دفاع از "ناموس" تبرئه ميشوند و نه فقط اين بلكه تقديس ميشوند، در اين جامعه که روزانه دهها و صدها زن٬ توسط پسربچه ها و يا ساديست هايي كه در دستگاههاي سركوب حكومت " كار" ميكنند و جيره و مواجب ميگيرند٬ تذكر گرفته و يا بعضا كتك ميخورند٬ در این جامعه كه زنان توسط مردان رسما كنترل ميشوند و حق هر رفتاري به مردان داده شده است٬ و بالاخره در این جامع که دولت خود مبلغ و مجري اين جنايات است چرا نبايد انتظار اين جنايات زنجیره ای را داشت؟

در ايران اوضاع چنان خراب است كه حتي در مورد جنايات زنجیره ای كه بر عليه زنان اتفاق مي افتد٬ نه كسي زياد پيگير ماجرا ميشود و نه حتي بعد از اينكه مجرم پيدا شد و يا كسي را به اين اسم دستگير كردند٬در مورد جزييات اين جنايات حرفي ميزنند و كاري ميكنند٬ معمولا حكومت پرونده را سرهم بندي كرده و ماجرا را فيصله يافته قلمداد ميكند. چرا كه اين وقايع٬ و اين جنايات بخشي از سياست رسمي حكومت است كه بعضا توسط تعدادي٬ نه به صورت حرفه اي آنگونه كه جلادان حاكم انجامش ميدهند٬ بلكه ناشيانه اجرا ميشود و سر و صدا بدنبال مي آورد.

در اين جامعه اما٬ در مقابل جلادان و افكار پوسيده و قرون وسطايي اسلامي و زن ستيز ٬ جنبشي عادلانه٬ انساندوست٬ مترقي و مدرن شكل گرفته ٬ كه يك جنبه مهم آن دفاع از حقوق و حرمت زنان است. در اين جوامع٬ هيج حزب و گروه و فردي٬ نميتواند از حقوق انساني حرف زده و در مقابل اين بزرگترين نقض حقوق انساني٬ يعني زن ستيزي و عقب ماندگي و ارتجاع ضد زن اسلامي ساكت باشد و حرفي نزند. در ايران و كشورهاي اسلام زده زنان بزرگترين قربانيان حكومتهاي اسلامي واسلام سياسي٬ و در عين حال بزرگترين مخالفين و معترضين به اين حكومتها و قوانين هستند. براي تعيين تكليف با حكومت اسلامي ٬ بايد از جنبش مترقي و مدافع حقوق زن دفاع كرد و يكبار براي هميشه به عقب ماندگي و ارتجاع فكري و به تحقير و توهين و اذيت و آزار زنان پايان داد.

اگرجامعه بشري عادي بود٬ اگر عدالتي وجود داشت٬ سران حكومت اسلامي و همه دست اندركاران و جانياان حاكم بر ايران بدليل جنايت عليه بشريت٬ بايد دستگير ومحاكمه ميشدند. اينها با قوانين و مقررات و سنتهايي كه از آن با اسلحه و شلاق و اسيد٬ پاسداري ميكنند٬ عليه نيمه بشريت جنايات غير قابل وصفي انجام ميدهند كه اگر جامعه عادي بود٬ فورا به اين زخم و اين بي حرمتي پاسخ ميداد.\*